

برهان علیت غیرموجبیتی

بر

وجود خداوند عزوجل

حسین کامکار

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين

مقدمه

گاهی تصور می‌شود که اگر دست از موجبیت برداشته شود، باب براهین علی بر وجود خداوند بسته می‌شود. در این نوشتار، بر آنیم تا نشان دهیم چگونه می‌توان دست از موجبیت برداشت اما برهان علیت را حفظ نمود. برهانی که ارائه می‌کنم شامل ۵ اصل موضوعه است و بر اساس این برهان می‌توان وجود واجب الوجود بالذات را اثبات نمود. البته این که «واجب الوجود بالذات» همان خداوند واحد ادیان ابراهیمی یا همان «الله» تبارک و تعالی است نیازمند توضیح و اثبات است، که در خاتمه نوشتار مورد اشاره قرار می‌گیرد.

برای معرفی اصول موضوعه و همچنین تفاوتی که بین نگاه موجبیتی و نگاه غیرموجبیتی وجود دارد، ابتدا لازم است به برخی مبادی تصویری و تعاریف اشاره کنیم.

مبادی تصویری و تعاریف

- (۱) **تعریف.** هر موجودی، ضروری است اگر و تنها اگر در هر جهان ممکنى موجود باشد.
- (۲) **تعریف.** هر موجودی از نوع A است اگر و تنها اگر ضروری باشد و وجودش بر هیچ واقعیت دیگری ابتننا نداشته باشد.
- (۳) **تعریف.** اگر موجودی مثل r بر واقعیت‌های دیگری مثل c_1 ، c_2 ، و ... ابتننا داشته باشد، c_1 ها را علل r می‌نامیم. و r را معلول می‌نامیم بنابراین r محقق است اگر همه‌ی واقعیت‌های c_1 ، c_2 و ... محقق باشند.
- (۴) **تعریف.** رابطه‌ی r با مجموعه‌ی علل آن موجبیتی است اگر و تنها اگر هیچ جهان ممکنى وجود نداشته باشد که در آن علت‌ها موجود باشند ولی r در آن موجود نباشد.
- (۵) **تعریف.** واقعیت r را از نوع B می‌نامیم اگر و تنها اگر r معلول باشد و رابطه‌ی r با علل r موجبیتی باشد.
- (۶) **تعریف.** واقعیت r را از نوع C می‌نامیم اگر و تنها اگر r معلول باشد و رابطه‌ی r با علل r موجبیتی نباشد.
- (۷) **تعریف.** واقعیت r را از نوع D می‌نامیم اگر و تنها اگر ضروری نباشد و فاقد علت باشد.
- (۸) **قضیه.** هر واقعیت دلخواه مثل r یا از نوع A است یا از نوع B یا از نوع C یا از نوع D .
- (۹) **تعریف.** مجموعه‌ی $\{A, B, C, D\}$ را مجموعه‌ی انواع می‌نامیم. مجموعه‌ی مصادیق یک نوع مثل X در یک جهان ممکن را با $E(X)$ نشان می‌دهیم.
- (۱۰) **قضیه.** مجموعه‌های $E(A)$ و $E(B)$ و $E(C)$ و $E(D)$ در هر جهان ممکن دلخواه دو به دو متباین (اشتراک تهی) هستند.
- (۱۱) **قضیه و تعریف.** در جهان واقعی، هر یک از مجموعه‌های $E(A)$ و $E(B)$ و $E(C)$ و $E(D)$ یا تهی هستند یا تهی نیستند. بنابراین ^{۲۴} «فرضیه‌ی متافیزیکی» درباره‌ی جهان واقعی برقرار است. این فرضیه‌ها را بر حسب انواع مختلفی که در آن «موجود» در نظر گرفته می‌شوند نام‌گذاری می‌کنیم به شرحی که در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱

توضیح	نام فرضیه	ردیف
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle \emptyset \rangle$	۱
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle A \rangle$	۲
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle AB \rangle$	۳
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle AC \rangle$	۴
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle ABC \rangle$	۵
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle AD \rangle$	۶
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle ABD \rangle$	۷
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle ABCD \rangle$	۸
$E(A) \neq \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle ACD \rangle$	۹
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle B \rangle$	۱۰
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle BC \rangle$	۱۱
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle BD \rangle$	۱۲
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) \neq \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle BCD \rangle$	۱۳
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) = \emptyset$	$\langle C \rangle$	۱۴
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) \neq \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle CD \rangle$	۱۵
$E(A) = \emptyset \ \& \ E(B) = \emptyset \ \& \ E(C) = \emptyset \ \& \ E(D) \neq \emptyset$	$\langle D \rangle$	۱۶

(۱۲) **تعریف.** فرضیه‌های متافیزیکی، الوهی هستند اگر و تنها اگر واجد نوع A باشند و الحادی هستند اگر و تنها اگر فاقد نوع A باشند.

(۱۳) **تعریف.** هر واقعیت مثل r را می‌توان به‌مثابه‌ی یک راس در نظر گرفت و رابطه‌ی ابتدا بر علت c_i را می‌توان به‌مثابه‌ی یک یال جهت‌دار از c_i به r در نظر گرفت. گراف حاصل از کل واقعیت‌های جهان را G می‌نامیم. هر ناحیه‌ی هم‌بندی در G را یک شبکه علی کامل می‌نامیم.

(۱۴) **تعریف.** یک گراف مثل G را از نظر علی ممکن می‌نامیم اگر و تنها اگر اولاً به ازای هر واقعیت r از نوع B یا C که در آن محقق است، همه‌ی علل r نیز در G محقق

- باشند و بین آن‌ها و r رابطه‌ی ابتدا برقرار باشد و ثانیاً به ازای هر واقعیت r از نوع B که در G محقق نیست دست‌کم یکی از علل r نیز در G محقق نباشد.
- (۱۵) **تعریف.** رأس‌هایی از G که فاقد ابتدا بر علت باشند را رأس‌های آغازین G می‌نامیم.
- (۱۶) **قضیه.** هر رأسی رأس آغازین است اگر و تنها اگر از نوع A یا از نوع D باشد.
- (۱۷) **تعریف.** مجموعه رأس‌هایی را که با حرکت از رأس r در جهت علل می‌توان به آن‌ها رسید (ولو با واسطه) «سلسله علل r » و مجموعه رأس‌هایی را که با حرکت از رأس r در جهت معلول‌ها می‌توان به آن‌ها رسید (ولو با واسطه) را «سلسله معالیل r » می‌نامیم.
- (۱۸) **تعریف.** اگر در یک شبکه‌ی علی کامل، زیرگراف هم‌بندی مثل J وجود داشته باشد به صورتی که هیچ یک از رأس‌های J در سلسله معالیل رأس‌های غیر J نباشد، آن‌گاه J را یک زیرگراف عالی می‌نامیم.

اصول موضوعه

- (۱) **اصل تحقق واقعیت.** واقعیتی وجود دارد. در نتیجه دست‌کم یک جهان ممکن غیرتهی (مثل جهان فعلی) وجود دارد.
- (۲) **اصل تسری امکان.** فرض کنید W یک جهان ممکن با گراف G باشد. اگر شرایط زیر برقرار باشد گراف G' توصیف‌گر یک جهان ممکن مثل W' است: (۱) گراف G' یک زیرگراف از G باشد، (۲) هر رأسی از نوع A که در W هست در گراف G' نیز حضور داشته باشد، و (۳) گراف G' از نظر علی ممکن باشد.
- (۳) **اصل تفاوت.** اگر دو جهان ممکن مثل W و W' داشته باشیم هر تفاوتی بین این دو جهان، صرفاً می‌تواند به عللی غیرموجبتی از نوع C یا D منتهی گردد.
- (۴) **اصل تقدم علی.** هیچ واقعیتی نمی‌تواند در سلسله علل خود باشد.
- (۵) **اصل واقع بینی.** حتی اگر واقعیت‌هایی از نوع D وجود داشته باشند، نمی‌توان همه‌ی واقعیت‌های «جهان فعلی» را به واقعیت‌هایی از نوع D برگرداند.

تفاوت بین اصول موضوعه‌ی موجبیتی و اصول موضوعه‌ی غیر موجبیتی

نگاه موجبیتی، برای اثبات واقعیتی از نوع A یک اصل حداکثری و پرادعا پیشنهاد می‌دهد:

(اصل موجبیت) : هیچ واقعیت غیرضروری در جهان وجود ندارد (الشیء ما لم یجب لم یوجد)

بر اساس این اصل هم می‌توان وجود واقعیتی از نوع A را اثبات کرد اما عملاً نشان خواهیم داد که نیازی به این ادعای حداکثری نداریم، و دو ادعای حداقلی‌تر را می‌توان به عنوان جای‌گزین‌های اصل موجبیت ارائه داد:

(اصل نفی تصادف مطلق) : هیچ واقعیتی از نوع D در جهان فعلی وجود ندارد.

(اصل واقع‌بینی) : حتی اگر واقعیت‌هایی از نوع D وجود داشته باشند، نمی‌توان همه‌ی واقعیت‌های «جهان فعلی» را به واقعیت‌هایی از نوع D برگرداند.

به نظر من، اصل موجبیت کاذب است ولی دو اصل جایگزین صادق هستند. از بین این‌ها «اصل واقع‌بینی» حداقلی‌ترین ادعا را دارد، و همین اصل برای ابطال نظریه‌های الحادی و اثبات واقعیتی از نوع A کفایت می‌کند. با این حال، برای داشتن یک الهیات پاک، لازم است نهایتاً وجود D نفی شود، چون ناقض این دو گزاره است که «الله خالق کل شیء» و «إن الله علی کل شیء قدیر». در نوشتار حاضر، با توجه به این که هدف صرفاً اثبات واجب الوجود بالذات است، من بر حداقلی‌ترین اصل، یعنی اصل واقع‌بینی تکیه می‌کنم.

این تذکر هم لازم است که نفی تصادف مطلق، به معنای نفی هرگونه تصادف در جهان نیست. تصادف‌های مشروط و مقدری که بر واقعیت‌های دیگری هم فی‌الجمله ابتن دارند، از نوع C محسوب می‌شوند و پذیرش آن‌ها منافی الهیات پاک نیست، و چنین تصادفی، شبیه استعاره‌ی «تاس ریختن خداوند» است که در گفتگوی بور و اینشتین مورد اشاره قرار گرفته است. بنابراین مطابق اصل نفی تصادف مطلق، صرفاً تصادف‌هایی نفی می‌شوند که بر هیچ واقعیت دیگری هیچ

نوع ابتدایی نداشته باشند، و مثلاً تصادف‌هایی که در تعبیر کپنهاگی مکانیک کوانتومی وجود دارد نفی نمی‌شوند. همچنین مواردی که در جهان با «اراده آزاد» روبه‌رو هستیم هم از نوع C است نه نوع D. اما این‌ها هیچ یک موضوع نوشتار حاضر نیستند. در این جا مبتنی بر اصل واقع‌بینی، وجود واقعیتهای از نوع A را اثبات می‌کنیم. البته از اثبات قضایای ساده چشم‌پوشی شده است.

اثبات

- (۱) قضیه. فرضیه‌ی متافیزیکی $\langle \emptyset \rangle$ کاذب است (بنا بر اصل تحقق واقعیت).
- (۲) قضیه. در جهان ممکن W و در هر فرضیه‌ی متافیزیکی، هیچ شبکه‌ی علی کاملی که همه‌ی اعضای آن B باشند وجود ندارد.

a. اثبات. برهان خلف. فرض کنید جهانی مثل W واجد چنین شبکه‌ی علی کاملی باشد. بنابراین بنا بر اصل تسری امکان، جهان ممکنی مثل W' وجود دارد که فاقد این شبکه است. تفاوت این دو جهان را نمی‌توان به علتی از نوع C یا D منتهی کرد زیرا اولاً در این خود این شبکه مطابق فرض هیچ رأسی از نوع C یا D نیست و ثانیاً هیچ ارتباط علی‌ای بین این ناحیه‌ی هم‌بندی با سایر نواحی هم‌بندی در W وجود ندارد. پس نه واقعیتهای خود این شبکه و نه سایر واقعیتهای نمی‌توانند علت این تفاوت باشند و این ناقض اصل تفاوت است.
- (۳) قضیه. فرضیه‌ی متافیزیکی $\langle B \rangle$ کاذب و ناممکن است.

a. اثبات. بنا بر قضیه‌ی قبل، هیچ جهان ممکنی وجود ندارد که واجد شبکه‌ی علی کاملی باشد که همه‌ی واقعیتهای آن از نوع B باشد. بنابراین فرضیه‌ی $\langle B \rangle$ ناممکن است.
- (۴) قضیه. در جهان ممکن W و در هر فرضیه‌ی متافیزیکی، هیچ شبکه‌ی علی کاملی که همه‌ی اعضای آن B یا C باشند وجود ندارد.

a. اثبات. فرض کنید چنین شبکه‌ای وجود داشته باشد و آن را J بنامید. بنا بر اصل تسری امکان، $W - J$ نیز یک جهان ممکن است. تفاوت بین این دو جهان را نمی‌توان به هیچ یک از واقعیت‌های خارج از J برگرداند زیرا این ناقض فرض کامل بودن شبکه‌ی J است. همچنین این تفاوت را نمی‌توان به واقعیت‌های نوع B درون J نسبت داد (بنا بر اصل تفاوت). هیچ یک از اعضای J نیز از نوع D نیستند (طبق فرض). از سوی دیگر هیچ یک از واقعیت‌های نوع C در J نمی‌توانند علت تفاوت بین W و $W - J$ باشند: فرض کنید واقعیتی مثل r از نوع C علت تفاوت بین W و $W - J$ باشد. هیچ رأسی از نوع C رأس آغازین نیست، بنابراین حتماً واقعیتی مثل r' در علل r در J وجود دارد که بر r تقدم علی دارد. اگر r بخواهد علت تفاوت بین W و $W - J$ باشد، یعنی لازم است بر r' تقدم علی داشته باشد و این ناقض اصل تقدم علی است.

(۵) قضیه. فرضیه‌های متافیزیکی $\langle C \rangle$ و $\langle BC \rangle$ کاذب و ناممکن هستند.

a. اثبات. بنا بر قضیه‌ی قبل، هیچ جهان ممکن وجود ندارد که واجد شبکه‌ی علی کاملی باشد که همه‌ی واقعیت‌های آن از نوع C یا B باشند. بنابراین فرضیه‌های متافیزیکی $\langle C \rangle$ و $\langle BC \rangle$ ناممکن است.

(۶) قضیه. در جهان ممکن W و در هر فرضیه‌ی متافیزیکی، هیچ شبکه‌ی علی کاملی که فاقد رأس آغازین (A یا D) باشد وجود ندارد.

(۷) قضیه. در جهان ممکن W و در هر فرضیه‌ی متافیزیکی، هیچ زیرگراف عالی که فاقد رأس آغازین باشد وجود ندارد.

a. اثبات. برهان خلف: فرض کنید زیرگرافی مثل J باشد که یک زیرگراف عالی باشد و فاقد رأس آغازین باشد. جهانی مثل W' را در نظر بگیرید که فاقد J و سلسله معالیل J است و از سایر جهات کاملاً مشابه W است. از آنجا که هیچ یک از رأس‌های J و همچنین رأس‌های واقع در معالیل J رأس آغازین نیستند، بنابراین هیچ رأسی از نوع A از W حذف نشده و همچنین سایر رأس‌های

باقی‌مانده نیز در سلسله معالیل J نیستند، پس حذف J و سلسله معالیل J با امکان علی منافی ندارد. بنابراین بنا بر اصل تسری امکان، W یک جهان ممکن است. بنا بر اصل تفاوت، باید تفاوت بین W و W' را به یکی از انواع C یا D برگرداند. اما تحقق J را نمی‌توان به سایر اعضای W مبتنی کرد چرا که این، خلف فرض عالی بودن این زیرگراف است، هم‌چنین نمی‌توان به واقعیتی از نوع D در خود J بازگرداند چون مطابق فرض، J فاقد رأس آغازین است. از سوی دیگر نمی‌توان آن را به واقعیتی از نوع C بازگرداند، زیرا رأس آغازین نیست و واجد علتی مثل r است و بنا بر اصل تقدم علی، شیء نمی‌تواند علت علتش باشد. بنابراین فرض وجود زیرگرافی مثل J ناقض اصول موضوعه است.

(۸) قضیه. سلسله علل هر معلولی یک زیرگراف عالی است.

a. اثبات. برهان خلف. فرض کنید زیرگراف سلسله علل r را J بنامیم و J عالی نباشد. بنابراین دست‌کم یکی از رأس‌های J هست که مبتنی بر واقعیتی خارج از J مثل c است. از سوی دیگر c علت یکی از علل r است و لذا باید در سلسله علل r (یعنی J) قرار داشته باشد. بنابراین فرض عالی نبودن به تناقض می‌انجامد.

(۹) قضیه. در هر جهان ممکن و در هر فرضیه‌ی متافیزیکی، هر شبکه‌ی علی کامل بر رأس‌های آغازین مبتنا دارد.

a. اثبات. فرض کنید واقعیتی مثل r وجود دارد که خود رأس آغازین نباشد و بر هیچ رأس آغازینی مبتنی نباشد. از آن‌جا که r رأس آغازین نیست بنابراین سلسله علل آن غیر تهی است و می‌دانیم که سلسله علل هر واقعیت، یک زیرگراف عالی است، و پیش از این اثبات شد که هر زیرگراف عالی، واجد دست‌کم یک رأس آغازین است.

(۱۰) قضیه. اگر W یک جهان ممکن در نظریه‌های متافیزیکی الحادی باشد، همه‌ی واقعیت‌های W یا از نوع D هستند یا بر رأس‌های نوع D مبتنی هستند.

a. اثبات. با توجه به این که هر شبکه‌ی کامل علی بر رأس‌های آغازین ابنا دارد، و در نظریه‌های الحادی رأس نوع A وجود ندارد، بنابراین رأس‌های آغازین از نوع D هستند.

(۱۱) قضیه. همه‌ی نظریه‌های الحادی کاذب‌اند.

a. اثبات. از آن جا که همه رأس‌های آغازین نظریه‌های الحادی از نوع D هستند، بنا بر اصل واقع‌بینی کاذب‌اند.

(۱۲) قضیه. در جهان واقعی، واقعیتی از نوع A وجود دارد.

(۱۳) قضیه. همه‌ی نظریه‌های الحادی علاوه بر این که کاذبند، غیرممکن‌اند.

a. اثبات. اگر یک جهان ممکن (مثل جهان واقعی) واجد واقعیتی از نوع A باشد آن‌گاه همه‌ی جهان‌های ممکن هم واجد آن هستند.

(۱۴) قضیه. دست‌کم یکی از نظریه‌های متافیزیکی الهی صادق است.

خاتمه

در این جا می‌خواهم به این اشاره کنم که چرا واقعیتی از نوع A (یا واجب الوجود بالذات) را همان «الله» تبارک و تعالی و خدای ادیان ابراهیمی در نظر می‌گیریم، و چگونه به واحد بودن او پی می‌بریم:

اگر واقعیتی از نوع A وجود داشته باشد، این واقعیت غیرمشروط است، یعنی تحقق آن، واجد هیچ شرطی نیست و بودن او مبتنی بر هیچ واقعیت دیگری نیست، بنابراین تحقق A مشروط به قیدهای زمانی-مکانی نیست. A اول است و آخر است. همچنین A بی‌نیاز از هر واقعیت دیگری است. واقعیت A بسیط است زیرا هر مرکبی بر اجزای خود مبتنی است. مصادیق A کثیر نیستند زیرا در اموری که کثرت‌پذیر هستند، می‌توان جهان ممکن را در نظر گرفت که تعداد بیش‌تری از آن نوع در آن باشد، و درباره A نمی‌توان چنین فرضی کرد. اگر دو A در نظر گرفته شود، وجود هر کدام وجود دیگری را مقید می‌کند. البته این تراحم بین A و معالیل A وجود ندارد، چون آن‌ها واقعیت‌های مبتنی بر A هستند و به مشیت A وابسته‌اند و واقعیت‌های

مستقلی نیستند. واقعیت غنی صمدِ واحدِ احدِ اولِ آخری که خالق همه چیز است، همان خدایی است که اسلام توصیف می‌کند.

البته گفتیم که این مطلب، هدف نوشتار حاضر نیست و این مطلب، توضیحی است که هم برهان موجبتی و هم برهان غیرموجبتی باید آنرا شرح دهند و بر عهده‌ی هر دو روی‌کرد است و لذا فرقی از این جهت بین این دو روی‌کرد وجود ندارد.

و الحمد لله رب العالمین

۱۴۰۱/۰۹/۱۹ شمسی، تهران